



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴ اردیبهشت ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۰ جمادی الاول ۱۴۳۲
جلسه: ۲۵

موضوع کلی: شرائط و آداب تفسیر
موضوع جزئی: معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تا اینجا بعضی از موضوعات را که دخالت بیشتری در تفسیر دارند مطرح کردیم، یکی از مباحث مهم دیگر که باید به آن اشاره کنیم شرائط و آداب تفسیر است، در مورد تفسیر بحث‌های متعدد و مهمی وجود دارد که هر کدام موضوع یک بحث مستقلی است از جمله مبانی تفسیر، قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز در تفسیر، روش شناسی تفسیر و... که حداقل به نحو اجمال باید یک آشنایی با این مباحث پیدا شود، یکی از مباحث مقدماتی مربوط به تفسیر، موضوع مفهوم شناسی تفسیر و الفاظ و مفاهیم مرتبط و نزدیک به آن است؛ مثلاً شناختن واژه تفسیر، بطن و تأویل، موضوع امکان تفسیر که آیا اصلاً تفسیر آیات قرآنی ممکن هست یا نه؟ بعد از فراغ از امکان تفسیر مسئله جواز تفسیر پیش می‌آید که آیا ما اصلاً مجاز به تفسیر آیات قرآنی هستیم یا نه؟ اینها مباحثی است که ما تحت عنوان شرائط و آداب تفسیر به آن‌ها می‌پردازیم.

معنای لغوی تفسیر:

ریشه تفسیر از فسر به معنای جدا کردن، بیان، توضیح دادن، کشف کردن و آشکار نمودن یک امر پنهان می‌باشد اکثر لغویین تفسیر را به کشف و شرح معانی الفاظ و عبارات اختصاص داده‌اند اما بعضی از لغویین گفته‌اند با توجه به اینکه تفسیر مصدر باب تفعیل است به نوعی متضمن معنای مبالغه است و منظور از تفسیر زیاد آشکار کردن معانی و به وضوح روشن کردن معانی است، فرق نظر اول با نظر دوم در این است که طبق معنای اول تفسیر عبارت است از آشکار کردن معانی الفاظ ولی طبق معنای دوم زیاد آشکار کردن و واضح بیان کردن را تفسیر می‌گویند نه هر آشکار کردنی را، از نظر لغوی این اختلاف بین لغویین هست اما اکثر لغویین همان معنای اول را ذکر کرده‌اند؛ یعنی اصل آشکار شدن معنا و حقیقت پنهان یک لفظ را تفسیر می‌گویند، این معنای لغوی تفسیر در بعضی از آیات قرآن هم بکار رفته مثل آیه شریفه: «و لایأتونک بمثلِ إلیجیناکَ بالحق و أحسنَ تفسیراً»^۱ هیچ مثلی را برای تو نیاوردند مگر اینکه حقیقت آن و بهترین تبیین آن را ما برای تو نازل کردیم، تفسیر در این آیه به معنا تبیین آمده است که همان معنای لغوی آن می‌باشد البته بعضی از مفسرین تفسیر را در این آیه به معنای مفاد هم ذکر کرده‌اند ولی اکثر مفسرین همان معنای لغوی را ترجیح داده‌اند، پس معنای لغوی تفسیر عبارت است از تبیین لفظ و عبارت و فرقی نمی‌کند این لفظ و عبارت متعلق به چه کسی باشد، ممکن است تفسیر کلام متکلم عادی باشد،

ممکن است تفسیر کلام یک عالم باشد، ممکن است تفسیر کلام یک نبی باشد و ممکن است تفسیر کلام خدا باشد، بسته به اینکه متکلم کیست ممکن است محدودیت‌هایی ایجاد شود اما اصل تفسیر یک کلام تبیین و آشکار کردن آن کلام می‌باشد.

معنای اصطلاحی تفسیر:

تعریف علامه طباطبائی:

مرحوم علامه طباطبائی فرموده‌اند: تفسیر عبارت است از بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن. در این تعریف سه واژه بکار رفته، فرموده‌اند: تفسیر عبارت است از بیان و کشف سه چیز: معانی، مقاصد و مدالیل. در اصل اینکه یک تناسبی بین معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد اختلافی نیست و تقریباً در تمام تعاریف اصطلاحی ارائه شده برای تفسیر این جهت دیده می‌شود یعنی جنبه کشف، تبیین و توضیح در همه تعاریف‌ها آمده است منتها باید ببینیم مراد از کشف و بیان، کشف و بیان چه چیزی می‌باشد، پس مراد از تفسیر طبق تعریف علامه بیان معنا و مدالیل و مقاصد آیات قرآن است یعنی ما اصطلاحاً تفسیر را در رابطه با معانی عبارات گوینده دیگری غیر از کلام خدا بکار نمی‌بریم و فقط منحصر در معانی آیات قرآن می‌باشد.

حال مراد از معانی و مقاصد و مدالیل چیست آیا این صرف تنوع و تفنن در تعبیر است؟ بعید است در مقام تعریف که بنا بر این است که به حداقل قیود اکتفاء شود فقط از باب تنوع و تفنن مثلاً چند تعبیر آورده شود برای اینکه زیباتر جلوه کند، اینطور تعریفی، تعریف علمی نیست چون در تعریف علمی تفنن و تنوع در عبارت معنا ندارد پس باید ببینیم مراد از این جهات سه‌گانه که با تفسیر می‌خواهیم آن‌ها را کشف و آشکار کنیم چیست؟ معانی ناظر به معانی الفاظ و عبارات است وقتی می‌گوییم معانی آیات و عبارات منظور این است که این الفاظی که حالا چه به صورت مفرد و چه در قالب جمله به زبان عربی استعمال شده معلوم شود که معانی این الفاظ در زمان نزول به چه معنایی بوده است چون بالاخره این الفاظ در یک زمانی نازل شده و برای مردم آن زمان یک معنای خاصی داشته مثلاً لفظ یصلون در آیه شریفه: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی...»^۲ به چه معنا است آیا یصلون به معنای نماز گزاردن است یا به معنای دیگری است، وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم که هر کدام از این الفاظ و عبارات در جاهای مختلف معانی مختلفی دارند پس در درجه اول پایین‌ترین درجه کشف و تبیین روشن کردن معانی الفاظ و عبارات است بعد از آن به این نکته باید توجه کرد که گوینده الفاظ و عبارات که دارای معنای خاصی است یک مراد جدی از این الفاظ و عبارات داشته که از آن مراد جدی به مدالیل تعبیر می‌شود پس وقتی می‌گوییم مدالیل آیات قرآن؛ یعنی مراد جدی گوینده و متکلم از این کلام، مقاصد نظر به اهداف دارد، اهداف از محدوده الفاظ و عبارات خارج می‌شود، معانی الفاظ در درجه اول معلوم می‌شود بعد از آن مراد جدی گوینده الفاظ کشف می‌شود و سپس مقاصد و اهداف گوینده کشف می‌شود، پس تفسیر عبارت است از بیان معانی آیات قرآنی و کشف مدالیل و مقاصد آنها.

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴.
۲. احزاب / ۵۶.

اگر این تعریف به عنوان یک تعریف حقیقی تلقی شود جای نقض و اشکال دارد ولی این تعریف، تعریف شرح الاسمی است نه تعریف حقیقی که بگویید جامع افراد و مانع اغیار نیست. لذا خیلی وارد بررسی تعاریف اصطلاحی تفسیر که در کلمات بزرگان آمده، نمی‌شویم و فقط در حد اشاره یک تعریف دیگر را بیان می‌کنیم.

معنای دیگر:

راغب اصفهانی در تعریف تفسیر می‌گوید: تفسیر قرآن عبارت است از کشف معانی قرآن و بیان مراد چه اینکه این کشف معانی و بیان مراد بخاطر مشکل بودن لفظ باشد یا به جهت دیگر باشد، چه مطابق معنای ظاهر باشد و چه مخالف آن؛ یعنی لازم نیست حتماً یک لفظی مشکل باشد تا بخواهیم مراد از آن لفظ را آشکار بکنیم ممکن است کشف مراد ناشی از علل دیگر باشد نه بخاطر مشکل بودن لفظ، و همچنین آنچه که ما بیان می‌کنیم ممکن است با ظاهر لفظ سازگار باشد و ممکن است با ظاهر لفظ سازگار نباشد.

اشکال کرده‌اند که این تعریف جامع افراد و مانع اغیار نمی‌باشد چون شامل تأویل هم می‌شود بخاطر اینکه تأویل هم عبارت است از اینکه لفظ طوری معنا شود که با ظاهر لفظ سازگار نباشد. پس عمده این است که این تعاریف شرح الاسمی می‌باشند و الا اگر بخواهیم آن‌ها را تعریف حقیقی بدانیم هیچ کدام جامع و مانع نیستند لذا ما خیلی به این مباحث نمی‌پردازیم.

اجمالاً به نظر می‌رسد تعریف علامه طباطبائی از تعریف راغب کامل‌تر باشد چون راغب تفسیر را فقط به معنای کشف معانی آیات و بیان مراد دانسته است ولی تعریف علامه کامل‌تر و به مطلوب نزدیک‌تر می‌باشد که فرمودند: تفسیر عبارت است از بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن آیات.

بحث جلسه آینده: تعریف تأویل را در جلسه آینده اشاره خواهیم کرد تا فرق بین تفسیر و تأویل معلوم شود و بعد بررسی می‌کنیم که آیا امکان تفسیر و تأویل برای ما وجود دارد یا نه و بر فرض امکان آیا مجاز به تفسیر و تأویل قرآن هستیم یا نه؟

«والحمد لله رب العالمین»